

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

گزارش دیده بان حقوق بشر
منتشره در پورتال AA-AA

مترجم :

پیکار پامیر

۰۱.۲۳.۰۹

یادداشت مترجم : مطالبی را که در ذیل مطالعه خواهید نمود، مربوط به سالهای (۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ میلادی) است که از طرف " ایشیا واچ" یا شاخه ای از سازمان حقوق بشر سازمان ملل در پاکستان به زبان انگلیسی پخش شده و در ماه دسامبر ۲۰۰۸ م در پورتال پخواننده " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " به نشر رسیده است . برای آنکه هموطنان عزیز و محققین گرامی بتوانند از متن و اسناد این گزارش مستفید شوند ، اینک ، ترجمه فارسی دری آن تقدیم میگردد :

نقض حقوق بشر توسط مجاهدین افغان

شماری از جناح های مجاهدین مسؤول نقض حقوق بشر در مناطق تحت کنترل شان در داخل افغانستان و تجاوزات در داخل خاک پاکستان میباشد. این تجاوزات ، شامل اختطاف ها و کشتار های روشنفکران افغان میشود که میخواستند در راه آزادی کشور شان مبارزه سیاسی نمایند . به شمول گروه های افغانی که با نمایندگی های امداد رسانی جهان غرب در خاک پاکستان کار میکردند. به خصوص آنعده از گروههای سیاسی در میان مهاجرین افغان که طرفدار مدرنیسم و پیشرفت بودند. بخش اعظم این کشتار ها توسط احزاب بنیادگرای مجاهدین صورت گرفته است. احزاب مذکور همچنان دارای زندان ها، شکنجه گاه ها و شکنجه گران بوده اند. ژورنالیستهایی که میخواستند در این موارد دست به تحقیق بزنند، تهدید به مرگ میشدند، نمایندگان خارجی ، سازمان های امداد رسانی و زنانی که در سازمان های مذکور کار میکردند نیز مورد تهدید و حمله قرار میگرفتند.

اگرچه بخش اعظم اینهمه کشتار ها و تهدیدات و . . . در خاک پاکستان صورت گرفته ، اما مقامات پاکستانی برای تحقیقات لازم در این راه و کشاندن مرتکبین در پای میز محاکمه ناکام بوده اند. در بخشی از این حوادث ، مقامات حکومتی پاکستان ، به خصوص (آی اس آی) دخالت داشته است ، از قبیل توقیف آنعده از مهاجرین افغان که مخالف احزاب مورد حمایت آن کشور بوده اند و یا به خاطر تحویلهای افغانها به احزاب جهادی غرض استنطاق و شکنجه . البته بعضی از دوسیه ها مطابق شرایط و مقتضیات معمول داخلی (سنتی و ذات البینی) حل شده اند که گروههای مربوط ، به آن وفادار اند. در عین زمان ، فشار های جنگ که موجب فشار های سیاسی میشود ، انواع دیگر جنایات

مانند آدم ربایی و قتل پناهنده ها را به بار آورده است. احزاب جهادی که از حمایت پاکستان و امداد نظامی امریکا و سعودی بر خوردار بودند، مسلما در قبال همه این جنایات، مسؤول اند. کلیه احزاب جهادی، زندانیان را یا در داخل خاک پاکستان و یا در اطراف مرز (داخل افغانستان) نگهداری میکردند. علاوه از آنکه برخی از احزاب مذکور، زندانیان را در جنگها مورد استفاده قرار میدادند. همچنان، برخی از این احزاب، زندانیان را به خاطر رقابت با سایر مجاهدین و یا احزاب و پناهنده هایی نگهداشتند که آنان را به عنوان افراد ترقی پسند می شناختند. مقامات پاکستانی نیز به توقیف های غیر قانونی و استفاده از دست آویز های استعماری مبنی بر دستگیری و توقیف افغانها حتا تا شش سال متوسل شده اند. آنهایی را که "مخل امنیتی" تشخیص میدادند، اقدام به دستگیری و توقیف آنان میکردند.

"ایشیا واچ" (دیده بان آسیایی متعلق به حقوق بشر) امکان آنرا نیافته تا از مناطق تحت کنترل مجاهدین در داخل خاک افغانستان دیدن نماید، ولی هیأت "ایشیا واچ" مجال آنرا یافته که با عده ای از فرماندهان مجاهدین، امدادگران و مهاجران و با آنانیکه از داخل افغانستان می آیند، در پاکستان گفت و شنیدی داشته باشد. . . هرچند کمیته بین المللی صلیب سرخ اجازه دیدار با زندانیانی را دارد که در داخل افغانستان نگهداری میشوند، ولی هیچگاه کمیته صلیب سرخ و یا هرکس دیگری اجازه نیافتند از زندانیان مجاهدین در داخل پاکستان دیدن به عمل آورند. زندانیانی که گفته شده تعداد شان به هزار ها نفر بالغ میگردد، مورد شکنجه هم قرار گرفته اند.

زندانیان مجاهدین: کلیه احزاب مقاومت، زندانیان را چه در داخل خاک پاکستان و چه در داخل افغانستان نگهداری میکنند. . . بعضی اوقات، فرماندهان مجاهدین، عساکر اسیر شده حکومتی را در زندان های شان نگهدارند. البته شیوه نگهداری و چگونگی بر خورد با این زندانیان به خوی و خصلت شخصی فرماندهان و رهبر حزب آنها بستگی دارد. سازمان بین المللی امور بشری اجازه دارد از درون بعضی از زندانها در داخل افغانستان و نواحی قبایلی دیدن نماید، مگر این اجازه را هنوز ندارد که از زندان های داخل پاکستان خبر گیرد. چهارچوب معین و یکسان در قسمت راه و رسم نگهداری زندانیان وجود ندارد و اگر داشته باشد، اندک است. حتا مشکل است "محل" این زندانها و توقیفگاه ها و تعداد آنها را معین و مشخص نمود. زندان های احزاب جهادی "به استثنای زندان های محلی و خانگی" ازینقرار اند:

- **زندان شمشتو (مربوط حکمتیار):** این زندان در ده تا پانزده کیلو متری شرق پشاور موقعیت دارد، جائیکه کمپ مهاجرین هم موجود است. گفته میشود که این زندان، زیر زمینی بوده و طبق گزارشات، در عقب کلینک کمپ مهاجرین واقع گردیده است. قرار راپور های رسیده، تعذیب، شکنجه، لت و کوب و استفاده از شوک برقی در این زندان معمول میباشد. بعضی از زندانیان را زنان هم تشکیل میدهند.

-- **زندان شمشتوی دوم (مربوط مولوی یونس خالص)**

-- **زندان ورسک (مربوط حزب اسلامی حکمتیار):** در بیست و پنج کیلو متری شمال پشاور موقعیت دارد. زندان مذکور متعلق به کمپ نظامی حکمتیار بوده و حدود یکهزار و دوصد زندانی در آن موجود میباشد.

-- **زندان محمد گارت (مربوط حکمتیار و سیاف):** در کرم اجنسی موقعیت دارد.

-- **زندان زوار (مربوط جلال الدین حقانی از حزب خالص):** در داخل مرز افغانستان موقعیت دارد. قرار راپورها، زندانیان در اینجا در غل و زنجیر و در تاریکی نگهداری می شوند. زندانیان، علاوه از آنکه در سلول های مزدحم جا داده می شوند، مورد شکنجه نیز قرار می گیرند.

-- **زندان جاجی:** مربوط به گروپ های مختلف مثلا، عربها، سیاف، حکمتیار و ربانی میباشد.

این موضوع تا کنون روشن نه شده که دقیقا چه تعداد زندانی در زندان های متذکره به سر میبرند. ولی به اساس حدسیات ، تعداد شان به صد ها نفر میرسد. " ایشیا واچ " گزارشاتی مبنی بر نا پدید شدن تعدادی از مهاجرین افغان را به دست آورده که شاید آنها در همین زندان ها باشند که ما از بعضی ازین نا پدید شدگان نام خواهیم برد. یکتعداد از فرماندهان مجاهدین هم به شمول دو نفری که در ماه می ۱۹۹۰م نا پدید شده اند که ممکن در زندان های احزاب رقیب افگنده شده باشند.

جنرال عبدالباقي : رئیس بخش نظامی حزب حرکت انقلاب اسلامی ، به تاریخ بیست و پنجم ماه می ۱۹۹۰ میلادی در پندو- پشاور توسط حزب اسلامی اختطاف گردید .

انجنیر غفار : معاون فرمانده عبدالحق از حزب اسلامی ، توسط حزب حرکت انقلاب اسلامی در پشاور اختطاف شد .
طوری که در بالا متذکر شدیم ، شرایط نگهداری زندانیان به تصامیم شخصی فرماندهان احزاب ارتباط دارد و در بر گیرنده اصول معینی نمی باشد . . . همچنان گوریلا های حزب اسلامی پس از قتل عام "فرماندهان فرخار" توسط جمعیت اسلامی دستگیر شدند . . . قضیه ای دیگری در قندهار اتفاق افتاده است و آن اینکه علاوه از حلقه درپاها، دستهای زندانیان نیز در عقب شان دستبند زده شده و تا مدت بیست و چهار ساعت قبل از صدور حکم به همان شکل نگهداشته شده اند. بند سوم کنوانسیون بین المللی ... میگوید : " انجام استتقاق و اقدام به اعدام شخص بدون قضاوت عادلانه و حکم محکمه قانونی ، جواز نه دارد . "

در میان فرماندهان " مجاهدین " ، شیوه های مختلفی وجود دارد . در بعضی حالات ، سر بازان دولتی دستگیر یا اسیر میشوند و تا وقتی در زندان می مانند که با زندانی های مجاهدین مبادله شوند . . . و یا به این منظور اسیر میشوند که فرماندهان مجاهدین تشخیص بدهند آنها سربازان کمونیستهای بدون ندامت هستند و یا حاضر اند به سوی اسلام تغییر جهت داده در خدمت مجاهدین قرار گیرند. نگهداری یک زندانی تا یکسال هم غرض آزمایش و امتحان ، امری عادی بود. آنانیکه اسلام را نمی پذیرفتند ، اعدام میشدند . در بعضی از مناطق آزاد شده که فرمانده مربوط در آن حاکمیت داشت ، یک اداره نا چیزی را ایجاد کرده و یک محاکمه محلی را غرض تشخیص موضوعات "افراد" جنایی و سیاسی تشکیل داده بود .

"ایشیا واچ " ، معلوماتی را پیرامون شیوه اجرایی محاکمه فرماندهان حزب جمعیت اسلامی به دست آورده که به اساس آن گو یا سعی به عمل آورده شده تا فرماندهان جبراً به نظامنامه حزب آشنا ساخته شوند . این نظامنامه تحت نظر "شورای نظار" به رهبری احمد شاه مسعود ترتیب گردیده است . قرار اظهار سخنگوی جمعیت اسلامی ، سیستمی را که مسعود رویدست گرفته ، قادر است جنایات فوق العاده سیاسی و غیر سیاسی را شناسایی نماید. یک سیستم قضایی محلی ، تنها موضوعات کوچک را بررسی میکند ، اما رسیدگی به قتل ها و جنایات جدی سیاسی ایجاب موجودیت قضاات قوی مرکزی را مینماید که باید عالم باشند . تحت این سیستم در هر منطقه یک قاضی از میان علما تعیین گردیده که دارای فهم و تجربه قانونی میباشد. زندان هایی که مورد استفاده قرار دارند ، همان زندان هایی اند که قبلاً توسط حکومت استفاده میشدند و بعضاً هم تازه ساخته شده اند. همه موضوعات سیاسی به محاکمه نمی روند. مثلاً در مورد عناصر نفوذی حکومت به شمول زنان و کودکان ، تشکیلات نظامنامه سعی میکند با خانواده های شان تماس بگیرد تا در یکنوع توقیف تأییدی قرار داده شوند .

موضوع قضایی قتل عام دره ی فرخار در سال ۱۹۸۹م : قرار گزارشات ، مسعود حدود یکصد تن از گوریلا های مربوط به حزب اسلامی به شمول سید جمال فرمانده حزب مذکور را که در قتل دستجمعی قومندان ها نقش داشت ، دستگیر نمود. جریان تحقیقات تحت شرایط نظامنامه مسعود چندین هفته را احتوا نمود. هرچند سید جمال به عمل قتل

اعتراف نمود ، باز هم اصرار داشت که وی طبق دستور "رهبر حزب" دست به این عمل زده است . بالاخره ، به تعداد چهل و سه تن از اعضای محاکمه شامل مولوی ها یا روحانیون روشنفکر ، سید جمال مذکور ، برادرش ایشان میرزا ، بابر شاه خسر بوره و معاون سید جلال ، سید فخرالدین و یکی دیگر از فرماندهان حزب اسلامی را محکوم به اعدام نمودند . جریان اعدام آنها به تاریخ ۲۴ ماه دسامبر ۱۹۹۸ م در یکی از چهار راه های عامه صورت گرفت .

انجنیر اسحاق یکی از نمایندگان حزب جمعیت اسلامی گفت : " تنها چیزی که میتوانست از اعدام آنان جلوگیری کند ، بخشایش بازمانده های قربانیان بود . "

به اساس معلومات " ایشیا واچ " ، بقیه اعضای حزب اسلامی که در قتل "فرماندهان جمعیت اسلامی" سهم داشتند ، همه در توقیف ماندند . یکی از مهاجرین در مورد سیستم قضایی در منطقه تحت کنترل حزب اسلامی در نزدیکی های جلال آباد به " ایشیا واچ" گفت : " هرگاه کسی به جرمی دستگیر میشد ، مجاهدین "حزب اسلامی" او را محکوم میکردند . اگر دزدی میکردی ، کشته میشدی . آنجا ملا هایی به حیث قاضی نشسته اند که باز هم توسط مجاهدین تعیین شده اند . اگر ثابت میشد که شخص عضو خاد (دستگاه استخبارات رژیم کودتا) است ، محکوم به اعدام میگردد . مجاهدین در مناطق آزاد شده از زندان های حکومتی به حیث محبس استفاده میکردند . اگر شخص دستگیر شده به سوی آنها (مجاهدین حزب اسلامی) متمایل میشد ، او را به پاکستان میفرستادند . در مورد سقوط شورای قندهار برای " ایشیا واچ " ثابت گردید که (آی اس آی) پاکستان در امور قضایی مجاهدین دخالت میکند .

بازداشتگاه ها در پاکستان : قسمت زیادی از جناح های (جهادی) ، فعالیت های اطلاعاتی خاص خود شان را داشته و نیروی امنیتی نیز نگهداشتند . پولیس امنیتی حزب اسلامی حکمتیار به نام استخبارات یاد میشد . برخی از نیرو های امنیتی احزاب اسلامی حکمتیار و خالص ، عناصر مخالف خویش را اختطاف میکردند و به این منظور ، عراده جات مخصوص مانند امبولانس و غیره در اختیار داشتند . مهاجرینی که در جریان سالهای جنگ وارد پاکستان میشدند ، باید مورد تفتیش قرار میگرفتند تا مبادا اعضای " خاد" و یا عناصر نفوذی باشند . هر مهاجر باید عضویت یکی از احزاب را حاصل مینمود تا از پروگرام امدادی در پاکستان مستفید میشد . از همان مرحله اول سرارزیدن مهاجرین افغان به پاکستان در سال " ۸۰- ۱۹۷۹ میلادی " ، مقامات پاکستانی تعداد معین احزاب (جهادی) را منظور نمودند تا مهاجرین به دور آنها جمع شوند . بعضی از آنها را احزاب میانه رو می نامیدند . حزب "افغان ملت" که جمعی از کارمندان شهری به دور آن جمع شده بودند ، اجازه فعالیت نیافت . از زمانیکه قشون روسی افغانستان را ترک گفتند ، مهاجرینی که وارد پاکستان میشدند ، ثبت نام کرده نمیتوانستند ، در حالیکه تفتیش و تلاشی همچنان ادامه داشت . دلیل آن هم این بود که مهاجرین تازه وارد ، مدت طولانی تر را نسبت به مهاجرین سابق در داخل افغانستان سپری کرده بودند . مهاجرین تازه وارد بعد از تفتیش به سه بخش تقسیم میشدند : سفید - خاکستری - سیاه

سفید مشمول آن عده از مهاجرین میشد که مشکل امنیتی خلق نکرده ، یعنی نمیتوانستند از ادانه زنده گی نمایند . خاکستری به کسانی اطلاق میشد که باید تحت نظارت می ماندند تا زمانیکه یکی از احزاب جهادی او را تضمین میکرد و سیاه شامل حال افرادی میشد که گمان میرفت محل امنیت پاکستان هستند . این بخش از مهاجرین ، به اساس بند (۴۰) دستورالمعمل جنایی سال ۱۹۰۱ استعماری ، سالها بدون محاکمه در زندان می ماندند . دستور العملی که تنها در مورد قبایل (امور سرحدی) مرعی الاجرا میباشد . تعداد این گونه افراد رو به تزاید بوده و طبق یک ردیف بندی ، در توقیف به سر میردند . تحقیقات از این افراد تحت رهبری تیم مشترک (شامل کمشنری مهاجرین افغان ، سپیشل برانچ یا پولیس مخفی و بخش استخبارات پولیس) و بعضا نماینده آی اس آی صورت میگرفت . هرگاه شخص مورد تحقیق مربوط نظام عسکری افغانستان می بود ، نماینده عسکری پاکستان نیز حضور می یافت . به اساس معلومات " ایشیا واچ " ،

پنجاه فیصد این تحقیقات توسط تیم مشترک (JIT) صورت گرفته و در یک مورد، آی اس آی سهم داشته و شکجه هم انجام داده شده است. در بعضی از دوسیه های مهم امنیتی، معاون مفتش (مستطلق) عمومی پولیس هم سهم گرفته است و در شناسایی اعضای "خاد" و یا کارمندان عالی رتبه حکومت سابق افغانستان، از رهبران مجاهدین همکاری خواسته شده است. همچنان در بسا موارد، مهاجرینی را که در لیست سیاه قرار می گرفتند، به احزاب جهادی، به ویژه به حزب اسلامی (حکمتیار) که با استخبارات و قوای امنیتی پاکستان از نزدیک کار میکرد، سپرده میشدند. عساکر حکومتی نیز که در پاکستان دستگیر میشدند، غرض تحقیقات به احزاب (اسلامی) تحویل داده میشدند. . .

مهاجرینی که در لیست سیاه قرار می گرفتند، به اساس قانون جرایم سرحدی سال ۱۹۰۱م یا (FCR) تا سه سال هم در توقیف باقی می ماندند و تا سه سال دیگر نیز قابل تمدید بود. اسناد و شواهد تازه هم غرض تمدید زمان توقیف (مهاجر زندانی) ضرورت نبود، فقط تصمیم نماینده سیاسی مناطق سرحدی یا قبایلی در این مورد کافی بود. مهاجر زندانی حق مرافعه خواهی هم نداشت. اگرچه (اف.سی.آر) امر گرفتاری شخص را تنها در مناطق سرحدی صادر میکرد، اما این امر بگونه غیر قانونی در پشاور و نقاط دیگر هم مرعی الاجرا بوده و دستگیر شدگان سیاسی را در زندان های مناطق قبایلی میفرستادند. به اساس فهم منابع "ایشیا واچ"، قانون جنایی سرحدی (اف.سی.آر) به مقامات پاکستانی در گرفتاری و توقیف بدون مدارای افغانها الهام میدهد. هرچند (اف.سی.آر) برای پولیتکل اجنت یا نماینده سیاسی سرحد اجازه دستگیری (فرد یا افراد) را میدهد، باز هم باید داد گاه دستور انتقال فرد دستگیر شده به اجنسی مناطق سرحدی را صادر نماید. این امر به ندرت واقع میشود. ولی موضوع مربوط به اختطاف اشخاص مستثناً از آن است. دو تن از افغانان به نام های محمد خان و سید امین در ماه دسامبر ۱۹۸۹م توسط پولیس مخفی پاکستان از منزل شان در اسلام آباد دستگیر گردیدند. محمد خان قبل از ورود به پاکستان (۱۹۸۸م) در عین حال عضو حزب اسلامی و سید امین کارمند اداری تشکیل پولیس افغانستان بود. . . هر دو ی آنها برای مدت دوازده روز غرض تحقیقات در بازداشت به سر می برند. افسر تحقیق کننده پس از دوازده روز از اوشان بخشش میخواهد، ولی می افزاید که طبق تعامل، باید به کمشنری مهاجرین افغان تحویل داده شوند. هردو افغان، مدت سی و پنج روز دیگر غرض تحقیقات، در بازداشتگاه کمشنری نگهداری میشوند و در فرجام، به سه سال حبس محکوم گردیده و به زندان دره اسماعیل خان فرستاده شدند، در حالیکه هرگز دلیل دستگیری و حبس شان معلوم نشد.

دوسیه ای دیگر مربوط به یک داکتر افغان به نام امین شاه بود که در کمپ خواجه علی بابا می زیست. وی عضو حزب اسلامی بود که در ماه نوامبر ۱۹۸۹م دستگیر گردیده و توسط کمسیون تحقیقاتی مشترک (JIT) مورد استنتاج قرار گرفت و متهم شد که گو یا برضد مجاهدین فعالیت میکند. موصوف در سال ۱۹۹۰م به سپیشل برانچ (شعبه مخصوص پولیس مخفی) تحویل داده شد و مدتها در توقیف باقی ماند. تعدادی از افغانها همچنان در زندان های صوبه سرحد و بلوچستان نگهداری می شوند. غالباً رهبران احزاب (جهادی) به مسؤولین آی اس آی میگویند که آنها تصور میکنند که شخص توقیف شده عضو تشکیلات نظامی حکومت کابل میباشد. به اساس معلومات منابع "ایشیا واچ"، تعداد زیادی از افغانها فقط به خاطر سوء ظن دستگیر گردیده و همین اکنون در زندان مرکزی پشاور، زندان دره اسماعیل خان، زندان هری پور و محبس عمومی راولپندی به سر میبرند. به سازمان بشری بین المللی اجازه داده نمی شود که از زندانیان مذکور باز دید به عمل آورد.